



امید علی بابایی

فعال حوزه جوانان

طی ماه ها و به خصوص در هفته های اخیر، برخی مسئولان نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی با نمایش هایی تبلیغاتی در بیلبوردها، جلسات، سخنرانی ها، مصاحبه ها و با انتصاب برخی جوانان، درحال نشان دادن همگرایی خود با جوانان و به خصوص نسل زد بوده و هستند؛ نسل زد ی که کل سرسید جامعه و آینده ساز بالقوه کشور توصیف می شود. طبق تعریف مرسوم در تمام دنیا، جوانان از دو نسل زد و ای تشکیل می شوند ولی از نظر اغلب مسئولان ما، (در عمل و واقعیت) جوانی یعنی تا وقتی که خودشان می خواهند و می توانند در پست و جایگاه تصمیم سازی و تصمیم گیری باقی بمانند و البته در حرف ها و شعارهای شان، جوان یعنی فقط نسل زد که باید در فرآیندهایی نمایشی به آنان بها داده شود. نمود عینی این تفکر، ارائه نمایش هایی مضحک برای چسباندن خودشان به این نسل و البته نکته بسیار مهم یعنی مغفول ماندن نسل وای که متولدین دهه های شصت و هفتاد را شامل می شود، در صحنه ها و موقعیت های مختلف است. عمده مسئولان با واقعیت را نمی دانند یا اینکه فکر می کنند تئوری های جذب مخاطب که دهه ها پیش روی خودشان انجام شده، امروز هم جواب می دهد؛ مثلاً نشان دادن قلب، تفسیر لغات و اصطلاحات نسل زد روی بیلبوردها، انتصاب جوانانی خاص (باگرایش سیاسی مطرود در بین احاد اچوانان) را راستای وفاق و... همچون نمایشی می ماند که نمایشنامه اش بسیار ساده انگارانه نوشته شده و حتی دکوران هم با بدسلیقگی کامل چیده شده است؛ البته شاید این رفتارها بتواند بر روی بخش اندکی از جوانان که پیگیر اخبار و امیدوار به رفتار منطقی مسئولان هستند تاثیر بگذارد ولی قاطبه جوانان به راحتی و بدون توجه به مسئولان و دولت مردان از آنان گذر کرده و بارها ضدیت خود را با این گونه ها نشان داده اند. در این بین، نسل وای که شامل دهه شصتی ها و متولدین نیمه اول دهه هفتاد می شود مدت ها درگیر سیاست ورزی و سیاسی کاری همین مسئولان بوده و حتی در بسیاری مواقع حامی و پشتیبان جدی جریان های سیاسی مختلف هم بوده اما اکنون بعد از زحمات و سختی های فراوان که هیچ عایدی و منفعت شخصی و جمعی برایش به همراه نداشته، از حرف ها و شعار های تکراری مسئولان عبور کرده و در کنج تنهایی خود به دنبال ذره ای آسایش و آرامش می گردد. البته از یک طرف، اینکه مسئولان در تکاپوی چسباندن خود و جریان سیاسی شان به نسل زد (و البته کم توجهی به نسل وای!) هستند یعنی هنوز به این نسل نیازمندان و محتاج حمایت های آن هستند که همین موضوع ممکن است ذره ای امیدواری در دل معدودی از جوانان ایجاد کند ولی از طرف دیگر، این شکل از رفتار دوگانه و نمایش های بی محتوای در حد حرف که هیچ نشانی از اعتقاد و همگرایی با جوانان در عمل را نشان نمی دهد می تواند باعث دور شدن همان معدود جوانان پیگیر سیاست از جریان های سیاسی و مسئولان شود. خنده دار است که مسئولان تصمیم گیر و حتی تصمیم ساز در اکثریت مطلق نهاد های دولتی و غیردولتی و حتی نهادهای کوچک شهری یا محلی هم به معنای واقعی کلمه، بازنشسته و کهن سال هستند؛ مدیران کل و معاونین نهاد ها و وزارتخانه هایی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم متولی امور جوانان هستند مصداق عینی این واقعیت هستند و حتی مسئولان در بخش های رده پایین این سازمان ها نیز کهن سال هستند، چه برسد به اینکه در رده های بالای تصمیم گیری و تصمیم سازی سایر نهاد ها از جوانان استفاده شود! این کم دی در جایی تلخ تر می شود که جریان های سیاسی مستقر فعلی در نهاد های مختلف، برای جذاب شدن نمایش جوان دوستی و جوان بینی خود، حاضر نیستند از جوانان حتی برای تبلیغ و شوقا کردن استفاده کنند و نقش یک جوان را هم به فردی کهن سال با گرمی مصنوعی می دهند که فقط سوزهای برای اویرال شدن در فضای مجازی با نتیجه ای کاملاً برخلاف تصور مسئولان ایجاد می کند یا اگر جوانی هم برای ایفای نقش در این نمایش انتخاب می شود، همه چیزش یادآور جوانی خود مسئولان فعلی است! این نمایش که پیش پرده آن به طرز ساده انگارانه ای جوان پسند ساخته شده ولی در اجرا، ذره ذره مونولوگ ها و بازی هایش فرسنگ ها از جوان بینی و جوان دوستی فاصله دارند، نیاز به توقیف شدن دارد تا تبش از این هزینه و اتلاف وقت را به جامعه تحمیل نکند و با رفتارهای متظاهرانه برخی مسئولانی که در دهه های هفتم و هشتم زندگی هنوز سودای منصبی بالاتر و پیاده کردن تفکرات کهنه را دارند، از اعتبار سایر مسئولان دلسوز نزد جوانان کاسته نشود.

علی محمد نمازی در گفت وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد

سایه سنگین ناهماهنگی بر دولت پزشکیان



دولت در اقتصاد و سیاست خارجی به وعده ها

نرسیده است



آرمان ملی: یک سال و چند ماه پس از آغاز به کار دولت مسعود پزشکیان، ارزیابی ها از کارنامه دولت همچنان محل اختلاف است؛ چنانکه علی محمد نمازی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی و از چهره های باسابقه جریان اصلاحات، در گفت وگو با «آرمان ملی»، تصویری دوگانه از عملکرد دولت ارائه می کند: موفقیت هایی محدود در حوزه هایی چون حجاب، رفع فیلتر و تأمین کالاها ی اساسی، در برابر ناکامی های جدی در اقتصاد، سیاست خارجی و جنبش کابینه. نمازی با تأکید بر اینکه «میان انتظارات مردم و اختیارات واقعی قوه مجریه فاصله ای عمیق وجود دارد»، یادآور می شود که پزشکیان با شناخت کامل از ساختار قدرت و محدودیت های آن وارد رقابت انتخاباتی شد و خود را ادامه دهنده مسیر دولت خاتمی معرفی کرد؛ از این رو، نمی توان ضعف های امروز را به کمبود اختیارات نسبت داد. او در نقد و وضعیت فعلی، به رشد اقتصادی نزدیک به صفر، تورم ۵۰ درصدی، فعال شدن مکانیزم ماشه و بازگشت تحریم های شورای امنیت اشاره می کند و این

از زبانی کلی شما از عملکرد چند ماهه دولت آقای پزشکیان چیست؟ اصلاح طلبان حامی دولت از یکسو بر موفقیت های نسبی تأکید می کنند و از سوی دیگر گالیه هایی مطرح می شود. به نظر شما دولت چقدر توانسته انتظارات جریان اصلاحات را محقق کند؟ به عنوان مقدمه عرض کنم برای پاسخ به اینگونه سوالات باید با توجه به ساختار نظام و به خصوص قوه مجریه در قانون اساسی و یا ساختار حاکم و یا انتظارات ملت قضاوت نماییم. قطعاً بین انتظارات مردم با ساختار واقعی و اختیارات و مسئولیت های قوه مجریه موجود در کشور فاصله بسیار است. به رغم این فاصله آنچه که من را قانع می کند که با توجه به توقعات مردم قضاوت نمایم این است که آقای دکتر پزشکیان تقریباً از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی در نظام مشغول کار و خدمت و در اواخر هم وزیر، نماینده مجلس بوده و با واقعیت ها آشنا و با لحاظ شرایط حاکم کاندیدای ریاست جمهوری شده و آن وعده را داده و خود را ادامه دهنده موفق ترین دولت یعنی دولت خاتمی معرفی نموده اند. ایشان با از برنامه ها و یا توان خود و شرایط کشور مطمئن بودند که گردن گزافه اشتند و یا خدای ناکرده تیری را در تاریکی پرتاب کرده و انتظار داشته به هدف اصابت کند. در هر حال دولت در موضوع وعده خود در مورد حجاب اجباری و رفع فیلتر عملکرد خوبی داشته است. اینکه سوخت خودرو و کامیون را تقریباً رایگان تأمین و در اختیار مصرف کنند گذاشته و همین قضیه در مورد نان مصرفی خانوارها نیز صادق است، موفق بوده اما در تشکیل کابینه، اقتصاد، سیاست خارجی، رفع تحریم ها و تحقق وعده های اساسی موفق نبوده است. رشد اقتصادی نسبت به گذشته بدتر شده و اگر منفی نباشد، صفر است؛ تورم نیز به حدود ۵۰ درصد رسیده و با اهداف برنامه هفتم فاصله زیادی دارد. در سیاست خارجی وضعیت مطلوب نیست؛ هم به ایران حمله شد، هم مکانیزم ماشه فعال شد و هم تحریم های شورای امنیت برگشت. در مجموع دولت نتوانست انتظارات اصلاح طلبان و اکثریت مردم را محقق کند.

طی هفته های اخیر برخی چهره های اصلاح طلب از کم رنگ

شدن نقش این جریان در تصمیم سازی دولت انتقاد کرده اند. به عنوان مثال نام هایی مانند قیاض زاهد و حاشیه های مربوط به استعفای او از نیم اطلاع رسانی یا شایعاتی درباره اعمال نفوذ قائم پناه مطرح شده است. آیا این انتقادات را جدی می دانید؟

تشکیل کابینه در ایران که کارکرد حزبی در آن حاکم نیست مخصوصاً اینکه منتخب انتخابات ریاست جمهوری چهره مشهور و دارای قبحیه سیاسی نباشد مانند این دوره بسیار مشکل است. طرح وفاق باعث شد که نیروهای قوی هر دو جناح کار گرفته و کابینه با افرادی میانه بسته شود که روی آنها حساسیت نباشد. نه تنها دولت قوی تشکیل نشد بلکه نسبت سهم اصولگرایان که رقیب دکتر

در سیاست خارجی وضعیت مطلوب نیست؛ هم به ایران حمله شد، هم مکانیزم ماشه فعال شد و هم تحریم های شورای امنیت برگشت. در مجموع دولت نتوانست انتظارات اصلاح طلبان و اکثریت مردم را محقق کند

پزشکیان در انتخابات بودند بیشتر شد و لذا جریان اصلاحات حق دارد از وضعیت موجود ناراضی و نسبت به آینده نگران باشد.

برخی فعالان سیاسی به اختلافات درونی میان اصلاح طلبان اشاره می کنند؛ از جمله طرح موضوعاتی مثل استعفای عارف یا ناراضایتی برخی گروه های حامی دولت. از نگاه شما، این نشانه شکاف در جبهه اصلاحات است یا سوء برداشت رسانه ای؟ معمولاً اختلاف و شکاف مربوط به دوران تقسیم قدرت و در قدرت بودن است. درست است که انتخاب آقای دکتر پزشکیان نتیجه حمایت و فعالیت شدید اصلاح طلبان در انتخابات است، اما ساختار قوه سهیم قوه مقننه در مانور قدرت و عملکرد رئیس جمهور و نزدیکی نشان می دهد که اصلاح طلبان قدرت چندانی ندارند و لذا اختلاف مهمی نیز در این جبهه نیست و اگر چنین حسی وجود دارد نتیجه کار قریا و به خصوص اقتدارگرا هست.

آیا تیم دولت در حوزه اطلاع رسانی و رسانه ای، به ویژه پس از حواشی اخیر، نیازمند بازسازی یا بازنگری است. در واقع، ضعف ساختار روابط عمومی دولت چقدر در ایجاد این گالیه ها نقش داشته؟

با اینکه نیروهای با سابقه فعالیت های مطبوعاتی در این بخش

طرح وفاق باعث شد که کابینه با افرادی میانه بسته شود که روی آنها حساسیت نباشد. نه تنها دولت قوی تشکیل نشد بلکه نسبت سهم اصولگرایان که رقیب دکتر پزشکیان در انتخابات بودند بیشتر شد

محمد عطریانفر:

مدت هاست که شهروندان با رفتارهای خودسرانه آزار و اذیت می شوند

شده است، این ۱۳ میلیون پرونده قضایی دلالت بر این دارد که یک طرف شکایت کننده است و فرد دیگری هم مورد شکایت است. یعنی اینکه حداقل ۶۶ میلیون الی ۷۵ میلیون فرد درگیر این پرونده های ثبت شده در دسته قضایی اند. سپس وقتی ما به ظرفیت جمعیتی ایران مراجعه می کنیم با توجه به جمعیت ۹۰ میلیون نفری و اینکه تعرفه تعداد خانواده ها در ایران بین ۴ تا ۵ نفر است دلالت بر این دارد که کل ملت ایران ۲۵ میلیون خانوار است که پس نتیجه مراین است که به صورت میانگین کل ملت ایران درگیر پرونده اند و چنین چیزی فاجعه آمیز است. وی افزود: علاوه بر این ماجرا، از جمله اشکالاتی که وجود دارد آن است که بسیاری از مسائلی که در حوزه نقد و ارشاد و کنترل افکار عمومی بر عملکرد دستگاه ها و مسئولان وجود دارد، ماهیت جرم و جنایت ندارد بلکه ماهیتش مابهت انتقاد است که اگر مواردی محل اشکال باشد باید ذیل تدبیر

و نظارت هیئت های متصفه رفع شود. در طول تاریخ ۳۰ سال گذشته ما همواره کسانی بودند که بنا به یک اظهار نظری و یک گفت وگویی مورد تعقیب دستگاه قضایی قرار گرفتند به خصوص از ناحیه خود دستگاه قضایی یا دیگر بخش های حاکمیت و خود این مسئله باعث ایجاد مصیبت شده و زندان های ما را پر از انسان هایی کرده که یا آن تخلف در اثر توجه دستگاه قضایی می توانست رخ ندهد یا اینکه یک اقدام اجتماعی و انتقادی کرده اند و بدون دلیل به زندان افتادند. این فعال سیاسی یادآور شد: وقتی ما این پیشینه را پیش روی خود ما بگذاریم به نظر می رسد این اقدامی که آقای اژای مطرح کرده ستایش برانگیز است. در واقع ایشان یک گام رو به جلو برداشته و بر این نکته تأکید دارد که می توان این حجم گسترده از افرادی را که با مشکلات حقوقی مواجه شده اند، از طریق سازوکارهای دیگری مورد صلح و سازش قرار داد. از این جهت طرح ایشان به

لحاظ ایده و نظریه قضایی اقدام شرافتمندانه و درستی است اما برای آن که این موضوع جنبه عملیاتی پیدا کند، نیازمند تدوین دستورالعمل ها و سازوکارهای آیین نامه ای است و مستلزم آن است که با انجام ارزیابی و آمارگیری دقیق از وضعیت زندان های کشور، بتوانند بخش قابل توجهی از این پرونده ها را مختومه کنند. این فعال سیاسی در واکنش به خودسوزی احمد بالدی، جوان کهوزی تصریح کرد: به طور کلی من به شاعر غنی می کنم مدت های مدیدی است که شهروندان ما زیر دست و پنجه ی قوانین و مقررات و رفتارهای خودسرانه ی کارمندان و مسئولان و مدیران دولتی و غیردولتی ارشد دچار اذیت و آزار می شوند. در مراجعات خود پاسخی نمی گیرند، پاسخ درستی به آن ها داده نمی شود و از موضع تحکم با آنان برخورد می شود، در حالی که ما می گوئیم مردم ولی نعمت حاکمان و مسئولان هستند.

محمد عطریانفر: در این بخش

بن سلمان و معامله تهران و واشنگتن

چراغ سبز هسته ای ترامپ به ریاض؟

در میانه افزایش نگرانی ها بابت احتمال آغاز دور جدید حملات هوایی اسرائیل و تشدید مشکلات اقتصادی ایران، رویترز روز پنج شنبه مدعی شد جمهوری اسلامی ایران از عربستان سعودی خواسته تا ایالات متحده را متقاعد کند تا مذاکرات هسته ای متوقف شده را احیا کند.

پیام مذاکرتی به واشنگتن؟

روز دوشنبه، برخی رسانه های ایرانی و سعودی مدعی شدند که یک روز پیش از سفر محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی به کاخ سفید، مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران، نامه ای به رهبر واقعی عربستان سعودی ارسال کرده است. منابع رویترز مدعی شده اند که پزشکیان در این نامه گفته که ایران به دنبال رویارویی نیست، خواهان همکاری منطقه ای عمیق تر است و هم چنان برای حل مناقشه هسته ای از طریق دیپلماسی، مشروط بر تضمین حقوق ایران، آماده است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، روز چهارشنبه گفت که پیام پزشکیان به ولیعهد عربستان سعودی «کاملاً دوجانبه» بوده است. پیش از جنگ ۱۲ روزه در ماه ژوئن، ایران و ایالات متحده پنج دور مذاکرات هسته ای را برگزار کرده بودند. از زمان وقوع جنگ، به رغم اینکه هر دو طرف اصرار دارند که برای توافقی آماده هستند، مذاکرات به بن بست خورده است.

بازگشایی کانال مذاکراتی؟

یک منبع آگاه از خلیج فارس به رویترز گفته که جمهوری اسلامی ایران به دنبال کانالی برای بازگشایی مذاکرات با واشنگتن است و رهبر عربستان سعودی نیز از یک راه حل مسالمت آمیز حمایت می کند و این پیام را در طول سفر خود به دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، منتقل کرده است. به گفته این منبع عرب: «محمد بن سلمان نیز می خواهد این درگیری به صورت مسالمت آمیز پایان یابد. این برای او مهم است و او این موضوع را به ترامپ منتقل کرده و گفته است که آماده کمک است». روز سه شنبه، حاکم عربستان سعودی به خبرنگاران گفت: «ما تمام تلاش خود را برای کمک به دستیابی به توافق بین ایالات متحده و ایران انجام خواهیم داد».

اهرم ویژه سعودی

ریاض و تهران از دیرباز رقبای استراتژیک در خاورمیانه بوده اند و اغلب در جنگ های منطقه ای از طرف های مخالف حمایت می کردند، تا اینکه توافقی با میانجی گری چین در سال ۲۰۲۳ خصوصت ها میان طرفین را کاهش داد و روابط دیپلماتیک را سرز گرفتند. وزن سیاسی رو به رشد عربستان سعودی، این کشور را به بازیگری تعیین کننده در دیپلماسی منطقه ای تبدیل کرده است. روابط امنیتی عمیق این کشور با واشنگتن - و به ویژه رابطه کم تر کسی در خاورمیانه از آن برخوردار است. در همین حال، جایگاه منطقه ای ایران در دو سال گذشته به دلیل ضربات نظامی و بازیگر به متحدانش در غزه و لبنان و سقوط بشار اسد در سوریه، تضعیف شده است. به گفته حمید ابوطالبی، دیپلمات ارشد سابق ایرانی: «تعبیر کانال های میانجی گری از کشورهایی مانند عمان و قطر به عربستان سعودی - کشوری با قدرت ساحل خاری، نفوذ مستقیم در ایالات متحده و عزم عملی برای کاهش تنش ها - بهترین تصمیم استراتژیک در شرایط فعلی است». ابوطالبی در در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «این ویژگی ها، عربستان سعودی را به یک میانجی مؤثر و یک کانال واقعی برای انتقال پیام ها تبدیل می کند، موقعیتی که نه عمان، نه قطر و نه اروپایی ها ندارند».

منافع توافق برای ریاض

به باور فریاس مقصد، مدیر شرکت مشاوره ای اوراسیا گروپ، با توجه به این که عربستان سعودی به دنبال راه اندازی برنامه غنی سازی اورانیوم خود است، در پیشبرد توافق هسته ای ایالات متحده و ایران منافع دارد. در جریان سفر محمد بن سلمان به واشنگتن، او ترامپ بیانیه ای را برای تکمیل مذاکرات در مورد یک برنامه انرژی غیرنظامی امضا کردند، بدون اینکه بگویند آیا ریاض قادر به غنی سازی خواهد بود یا خیر. به گفته مقصد: « تلاش عربستان سعودی برای غنی سازی به دیپلماسی هسته ای ایالات متحده و ایران مربوط می شود. عربستان سعودی در پیشبرد مذاکرات هسته ای ایالات متحده و ایران از طریق یک کانال مخفی و آرام منافی دارد.» ایران و آمریکا می گویند از دیپلماسی حمایت می کنند، اما خواسته ها با هم در تضاد است.

خیانت به دیپلماسی

با این همه، شرایط تعیین شده از سوی تهران و دولت ترامپ هم چنان به شدت در تضاد با هم است و عدم موفقیت در کاهش اختلافات، خطر شعله ور شدن یک جنگ منطقه ای جدید را به همراه دارد. کشورهای خلیج فارس، به ویژه قطر و عمان، که از کشیده شدن به یک درگیری گسترده تر در صورت حمله مجدد اسرائیل به ایران نگران هستند، پیش از این به عنوان واسطه عمل کرده اند. ایران واشنگتن را به دلیل پیوستن به اسرائیل در جنگ ژوئن به «خیانت به دیپلماسی» متهم کرده و اصرار دارد که هرگونه توافق باید تحریم های ایالات متحده را که اقتصاد مبتنی بر نفت کشور را فلج کرده، لغو کند. در همین حال، واشنگتن از تهران می خواهد که غنی سازی اورانیوم را در خاک خود متوقف کند، برنامه موشک های بالستیک خود را محدود کند و از حمایت از متحدان شبه نظامی خود در منطقه دست بردارد - شرایطی که ایران آن را رد کرده است. ترامپ و بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، ادعا کرده اند در صورت از سرگیری غنی سازی از سوی ایران، در حمله مجدد تردید نخواهند کرد. دو مقام ارشد ایرانی به رویترز گفتند که تهران، برای دستیابی به توافق با واشنگتن جهت کاهش مشکلات اقتصادی تلاش می کند. کمال خرازی، مشاور رهبری، هفته گذشته از ترامپ خواست تا «مذاکرات واقعی با ایران را بر اساس احترام متقابل و برابری» دنبال کند.